

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۰۴ جون ۲۰۲۱

فریده نوری

## افغانستان

بیست سال فرصت های از دست رفته

قسمت دوم

منبع: اخبار لو ماند (Le Monde)

تاریخ: یکشنبه ۳۰ و دوشنبه ۳۱ ماه می ۲۰۲۱

خبر نگار: جک فولورو (Jacques Follorou)

مترجم: فریده نوری

به ادامه گذشته:

واشنگتن تمام توجه و دقت خود را برای تعقیب نمودن اسامه بن لادن معطوف نمود، به اندازه که در مقابل دیگر مسائل کاملاً غیر فعال و بی اعتنا ماند، حدی که بعضی از جنرال ها این وضع را «بازی دوگانه پاکستانی ها» توصیف کردند. از یک طرف دستگاه استخباراتی پاکستانی ها جهت مبارزه علیه القاعده با امریکایی ها کمک می نمودند، و از طرف دیگر همین دستگاه استخباراتی پاکستان، تحریک طالبان را کمک می نمودند. تحریک طالبان از هر نوع کمک و حمایت لوژستیکی دستگاه استخبارات پاکستان مستفید می باشند.

اسلام آباد اصرار می کند که طالب ها از شروع سال های ۹۰ میلادی پایگاه های شان در مناطق قبایلی و کراچی وجود دارد. در اخیر سال ۲۰۱۱ اختر عباس صاحب منصب عالی رتبه اردوی پاکستان و سخنگوی اردوی مذکور، در مصاحبه با اخبار لو ماند به صورت محرمانه اظهار نمود: «همراه با قبول نمودن و احترام گذاشتن به استقلال و حاکمیت افغانستان، مملکت ما با تمام قوت منافع خود را در مقابل قدرت های خارجی در اولویت قرار می دهد».

امریکا نمی تواند ارتباط خود را با پاکستان قطع کند، مناطق قبایلی پاکستان (هفت دستگاه یا آژانس نیمه مستقل تحت اداره فدرسیون پاکستان) به مکان جهادی های بین المللی تبدیل گردیده است. پناهگاه اسامه بن لادن همان جا بود، از همانجا حملات در بالی (Bali) در سال ۲۰۰۲ میلادی، در مادرید در سال ۲۰۰۴ میلادی، در سال ۲۰۰۵ در لندن و در اسلام آباد علیه هتل مریوت (Marriott) در سال ۲۰۰۸ میلادی دامن زده شد. قبایل پشتون پاکستانی، جای برای پنهان شدن و هم وسائل ترانسپورتنی طالبان را تهیه می نمایند.

گروپ های که از آسیای مرکزی آمده اند، مانند چچینی ها، افریدی های شمال، گروپ های چینایی و کشمیری ها در آن جا با شبکه حقانی به نام جلال الدین حقانی وزیر اسبق طالبان و رهبر نظامی که مربوط به قبیله خُدران، می باشد (وفات در سال ۲۰۱۸) با هم یکجا زندگی می کنند.

در یک مصاحبه که اخبار لو ماند در اواسط ماه می ۲۰۲۱ میلادی، با یک مامور بلند رتبه وزارت خارجه امریکا نمود و دیدگاه وی را در مورد بیلانس امریکا در افغانستان ارزیابی کرد: به نظر وی امریکا تنها در مبارزه علیه تروریزم موفق می باشد، بلکه در احیای مجدد افغانستان نیز دست آورد هائی دارد. «سیاست در هر دو موضوع همزمان پیش برده شده است، یک اندازه آسان است که گفته شود که ما ناکام شدیم به این یا آن دلیل، من فکر نمی کنم که ما ناکام شدیم، کفایت می کند که تأسیسات اداری افغانستان را ببینیم».

واقعاً امروز افغانستان چهره یک دولت واقعی را به ما نشان می دهد. " منطقه سبز zone verte" در مرکز کابل بی اندازه امن است، که تمام وزارت خانه ها در آن جا متمرکز می باشند و مامورین هر صبح در آن جا مانند دیگر ممالک در رفت و آمد هستند. از طرف دیگر موجودیت سفارت خانه ها داشتن اردو و پولیس همه نمایانگر آن است.

عدم موجودیت شخصیت های مخلص و فداکار:

اختلافات و ناسازگاری بین اجندای پولیتیک امریکایی ها و منافع افغان ها موجود بود. در سال ۲۰۰۴ میلادی در حالیکه آمادگی اولین انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ افغانستان گرفته می شد، آقای براهیمی تأخیر شش ماهه تا یک سال را در انتخابات پیشنهاد نمود. مشکل تنها لوژستیک نبود، قرار گفتار یک دیپلومات دلالت به این می کرد که اول باید یک توافق بالای قانون اساسی آینده از یکسوء و مستحکم ساختن تأسیسات دولتی از طرف دیگر به وجود بیاید و بعداً به طرف انتخابات روان شوند. اما برای واشنگتن، تنها نمایش دیموکراسی مهم بود، برای آن ها تنها تنظیم دادن به انتخابات برای عملیه سیاست روی دست گرفته شده شان کفایت می کرد. برگزاری انتخابات در نهم اکتوبر ۲۰۰۴

به نفع جورج دبلیو بوش (George W Bush) تمام گردید، زیرا وی برای دوباره انتخاب شدنش مصروف فعالیت های انتخاباتی خود بود. و این یک امتیاز خوب برایش محسوب می گردید. به تعقیب آن افغانستان سه انتخابات ریاست جمهوری و سه انتخابات پارلمانی را آزمایش نمود، اما این انتخابات بسیار از ساختار های دیموکراتیک دور بود، برعکس کشور را در یک بحران سیاسی غطه ور ساخت.

در سال ۲۰۰۹ میلادی، تنها کناره گیری عبدالله عبدالله قبل از دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری به دوباره انتخاب شدن حامد کرزی اجازه داد، فلذا یک بر سه رأی ها به دلیل تقلب زیاد در دور اول باطل گردید.

در سال ۲۰۱۴ میلادی عبدالله عبدالله باختن خود را در مقابل اشرف غنی قبول نکرد و به همین دلیل از برکت میانجی گری امریکا برایش چوکی ریاست اجراییه داده شد.

بالاخره در سال ۲۰۱۹ میلادی در دور دوم انتخابات بُن بست به اندازه بود که اشرف غنی و عبدالله عبدالله، هر دو به عین روز به تاریخ نهم مارچ ۲۰۲۰ میلادی به دو اطاق جداگانه قصر ریاست جمهوری سوگند یاد نمودند.

آنچه مربوط به پارلمان می شود، بدون اقتدار بوده و نزد مرد از هیچ نوع اعتبار برخوردار نیست. قرار بعضی از تحلیل ها عدم علاقه به تأسیسات دولتی در سال ۲۰۰۴ و بی علاقه بودن سیاستمدار ها سبب گردید که به تعقیب آن و در کوتاه مدت گراف نا امنی بالا برود و بر علاوه عدم موجودیت هماهنگی جامعه بین المللی و عدم موجودیت منافع عمومی، در دراز مدت باعث ایجاد بحران سیاسی گردیده است.

حامد کرزی، رئیس دولت مؤقت در زمستان ۲۰۰۱ میلادی، بعداً رئیس انتخابی از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ کمتر رئیس دولت، بیشتر رهبر قبیله بود، او بجای قوی ساختن ساختارها و تأسیسات دولتی، بیشتر مشغول امتیاز به کلان (clan) "متنفذین قومی" خود و به وفاداران خود قایل می شد.

در طول این بیست سال اخیر هیچ یک شخصیت فداکار و مخلص تبارز نکرد که قادر باشد کشور را متحد و یک پارچه به دور یک اداره قوی و مشروع جمع نماید.

ضعف اداری افغانستان با ضعف قوای امنیتی موازی می باشد. قوای امنیتی افغان قادر به کنترل خاک خود نیستند. در حالیکه تنها امریکا در این درازترین جنگ در تاریخ خود، یک سرمایه حیرت انگیز: دو هزار میلیارد دالر، بر حسب حساب واتسن انستیتوت (Watson Institute) مصرف نموده است.

اگر با جنگ اول جهانی مقایسه کنیم جنگ اول جهانی ۱۹۱۱ میلیارد دلار و جنگ دوم جهانی ۲۸۹۶ میلیارد دلار ، جنگ ویتنام ۴۹۴ میلیارد دلار برحسب ارزیابی که توسط متخصصین امریکایی از آن جمله ویلیام نوردهوس (William Nordhaus) دارنده جایزه نوبل در اقتصاد می باشد، هزینه برداشت.

ادامه دارد